



نفوذ «زیر خاکی» ها

روایتگری جلیل سامان در سریال «زیر خاکی» از نفوذ و نحوه ورخته برخی افراد ضدانقلاب تحت حمایت سازمان‌هایی مانند ساواک که تحت اشراف کامل فکری و عملیاتی سازمان‌های جاسوسی سیا و موباد فعالیت می کرده، فصل تازه‌ای از ورود تلویزیون به این ساحت حساس و پرابهام است، البته سامان تنها کارگردانی است که تا به حال در سه سریال مختلف به حوزه‌ فعالیتی و تفکرات تروریستی و ضدانسانی سازمان تروریستی منافقین که بیش از ۱۷هزار نفر از شهروندان و مسئولان کشورمان را به صورت وحشیانه ترور کرده‌اند، پرداخته است.

این کارگردان در سه سریال قبلی خود ابعاد تازه‌ای از این سازمان تروریستی را روایت کرده که ضمن اشاره تلویحی و جانبی به موضوع نفوذ، تمرکز اصلی‌اش را بر مسئله عضوگیری و جنایات سازمان تروریستی منافقین با چاشنی اتفاقات دراماتیک قرار داده بود.

زیر خاکی، تازه‌ترین سریالی است که به کارگردانی جلیل سسامان از تلویزیون پخش شده است. هر چند جلیل سامان در این سریال اشاراتی به فعالیت‌های سازمان منافقین دارد اما پر خلاف سه‌گانه قبلی‌اش تمرکز و محوریت اصلی داستان سریالش به مسئله مهم نفوذ و تلاش صهیونیست‌ها برای سرسفت اشیای تاریخی و باستانی یا همان «زیر خاکی» و خارج کردن آنها از ایران است.

گذشته از مسئله قاچاق و غارت اموال روی خاک و زیر خاک کشور توسط یهودیان و نقش تسهیل‌کنندگی سازمان ساواک در انجام این سرقت‌های بزرگ، مهم‌ترین وجه این سریال پر داختن متفاوت به مسئله و نحوه نفوذ عناصر مورد حمایت ساواک در بین افراد و جریان‌های ابتدای انقلاب است. سامان در این سریال به خوبی نشان می‌دهد که چطور افرادی نظیر کشمیری، کلاهی و دیگر نفوذی‌ها به بدنه انقلاب و انقلابیون رخنه کر دند و بعدها به سمت‌ها و پست‌های مهمی هم رسیدند.

یکی از دیالوگ‌های سریال «زیر خاکی» که به نوعی روایتگر حدود و ثنور سطح نفوذ جریان‌های مورد حمایت ساواک و دیگر سازمان‌های جاسوسی مانند سیا و موباد بود در مکالمه بین شخصیت فریبرز و اسکندر جانمایی شده بود.

وقتی که فریبرز از چگونگی خارج کردن اشیای عتیقه‌ای که در یک خانه مصادره‌ای وجود داشت خطاب به اسکندر می‌گوید: چطور می‌خواهید این‌ا جناس را از منزل خارج بکنید؟ اسکندر در پاسخ به فریبرز می‌گوید: فکر کردی چطور پرورنده‌های ساواک را از آنجا خارج کردیم؟! شاهد مثال این دیالوگ هم شدن بخشی از اسناد محرمانه و امنیتی مربوط به افراد و جریان‌هایی است که در همان روزهای ابتدای پیروزی انقلاب از محل رکن دوم ارتش خارج شد و سر نوشت آنها هرگز مشخص نشد. نمونه دیگر این مسئله اسنادی است که از لانه جاسوسی آمریکا توسط برخی افراد خارج شد و آنها نیز به سر نوشت مشابهی نظیر گم شدن اسناد محرمانه رکن دوم ارتش منجر شد.

ورود سیما به ساخت و تولید اثری با ابعاد محتوایی زیر خاکی در صورت ادامه مسیر و پرداختن به زوایای پنهان ماننده برخی ابهامات ابتدای انقلاب، نه تنها به جلوگیری از جعل تاریخ انقلاب و پاسخ به شبهات جوانانی که آن روزها را ندیده‌اند، می‌انجامد بلکه می‌تواند به ساحت حساس و ملتهب «نفوذی‌ها» و چرایی ترور و به شهادت رساندن چهره‌های مؤثر و انقلابی نظیر شهید مطهری، شهید سبهد قرنی، شهید بهشتی و دیگر افرادی که در واقع می‌توان از آنها به عنوان مغز متفکر و ایده‌پردازهای انقلاب اسلامی نام برد، پرده بردارد.

به کلام دیگر، اقدام جسورانه مدیران تلویزیون در دست پیش گرفتن برای روایت دقیق، تاریخی و موفق به چنین مسائلی می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در جعل تاریخ انقلاب و نیز مشوهه و موجع نشان دادن تلاش برخی شهدای انقلاب مانند شهید لاجوردی با تئیش به تئوری عوض کردن جای جلاذ و قربانی از سوی برخی جریانات و افراد کج‌اندیش گرد.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ابران	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز</div> <div>مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی</div> <div>سر دبیر: غلامرضا صادقیان</div> <div>آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری</div> <div>تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴</div> <div>سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴</div> <div>روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴</div> <div>توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴</div> <div>چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان</div> <div>www.javanonline.ir</div>	

| روزنامه جوان | شماره ۵۹۲۸ | پنج‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۹۹ | ۵ شوال ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۰۲ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۱ | ۲۰ اذرمنبر: ۰۰:۲۳ | ۲۰ ایمه‌شب‌شعر: ۰۰:۱۰ | اذان‌صبح فردا: ۵:۰۴ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۱ |

«رومینا»ها در سینما هم گشته می‌شوند!

یکی در فضای محدود خانواده‌اش بی‌مسئولیت و قاتل است

و عده‌ای هم در جامعه‌ای بزرگ‌تر چون سینما و هنر

فیلم‌سازان ایرانی در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آسیایی، ۲۰۰۸

فیلم‌سازان ایرانی در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آسیایی، ۲۰۰۸



■ **جواد محرمی**

مرگ تأسفبار یک دختر به دست پدرش باعث شده عده‌ای بار دیگر و این بار با ادبیات طنمه و کنایه پای فیلم چتچالی «خانه پدری» را وسط بکشند و مدعی این باشند که مخالفان صحنه دلغراش فیلم عیاری اشتباه می‌کردند تا وقوع این دست حوادث دلغراش را حجتی بر درست بودن روش و رویکرد فیلم‌های خشن و ملتهبی چون **خانه پدری** فرض کنند. معلوم نیست چرا برخی از مدعیان روشنفکری نمی‌توانند دست کم حفظ‌ظاهر کرده و خوشحالی خود را از وقوع حوادث تلخ اجتماعی بروز ندهند. دلیلش البته مشخص است؛ حادثه تلخی در گوشه‌ای از کشور رخ داده و عده‌ای مانند همیشه این حوادث را پیراهن عثمان می‌کنند تا حرف ناتواب خویش را ملاحظا ثابت کرده باشند، البته کسی که خودش را می‌اندازد می‌شود از خواب بیدار کرد اما او که خواب را به خواب زده نه سینماگری همکار سینمایی‌اش را که منتقد ساخت فیلم‌هایی از جنس خانه پدری بوده درباره مرگ دلغراش رومیتراشرفی چنان کنایه می‌زند گویی منتقدان آثار شرفی خانه پدری طرفدار کشته‌شدن دختران به دست پدرانشان هستند یا مثلاً منتقدان مدعی بوده‌اند که اساساً در عالم چنین حوادثی بروز و ظهور ندارند و در آینده نیز تضمین داده شده هیچ دختری به دست پدرش کشته نشود. وقتی منطق کمرنگ شود و قدرت سفسطی جولان بدهد، هر آدم نسبتاً مشهوری می‌تواند بر اسب سسرکش بی‌مسئولیتی سوار شود و عوامفریبی نیز در چنین وضعی بازار پرونوفی خواهد داشت.

■ **مسئولیت‌شناسی سینمایی**

وقتی از مسئولیت هنری و سینمایی حرف می‌زنیم، دقیقاً درباره این موضوع سخن می‌گوییم که نباید هر اتفاقی را دستاویزی برای صاحب حق وانمود کردن خود کرد. بی‌مسئولیتی سینمایی در این موارد تنه می‌زند به بی‌مسئولیتی همان پدری که به جای حفظ و نگهداری دخترش در حریم خانواده آنچنان بی‌عقل می‌شود که با دینک یک عکس با داس به جان دخترش می‌افتد و او را از پای درمی‌آورد. بی‌مسئولیتی که شاخ و دم ندارد؛ یکی در فضای

پیامبر(ص) می‌فرمایند:

نشانه خیر خواه چهار چیز است:

به حق داوری کند و از خود به

دیگران حق دهد و آنچه بر خود

پسندد، بر مردم روا دارد و از

حریم هیچ کس درنگزد.

«گزیده تحف العقول»

| روزنامه جوان | شماره ۵۹۲۸ | پنج‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۹۹ | ۵ شوال ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۳:۰۲ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۱ | ۲۰ اذرمنبر: ۰۰:۲۳ | ۲۰ ایمه‌شب‌شعر: ۰۰:۱۰ | اذان‌صبح فردا: ۵:۰۴ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۱ |



«جاسوسی» یک فیلمی است که در آن یک جاسوس یا جاسوسان در تلاش برای انجام عملیات مخفیانه در یک کشور خارجی هستند.

معادله بد و بدتر در مجموعه «امریکایی‌ها»

از نکات مثبت مجموعه «امریکایی‌ها» توجه به شخصیت پردازی

و الگوهای مربوط به آن در سریال‌هایی با رویکرد امنیتی است، چون بر خلاف سریال‌های ایرانی، افراد امنیتی دو سوی ماجرا جدا از خانه و خانواده ترسیم نمی‌شوند

■ **محسن خیابانی**



نقشه‌هایی پیچیده و زمانبر همراه است تا هم‌زمان با هیجانات به دنیای ذهنی جاسوسان و فضای پیچیده مسائل امنیتی بپردازد. یکی از نکات آزاردهنده موقع تماشای مینی‌سریال زیادی ستایش‌شده جزنویمل، انگلیسی صحبت کردن افرادی بود که قاعدتا باید روسی صحبت می‌کردند اما امریکایی‌ها برای انگلیسی یاروسی صحبت کردن مردمان شوروی منطبق دارند. کری راسل و متیوریس در نقش‌های اصلی عملکردی خیره‌کننده دارند و دیگر بازیگران هم هرگز از سطح متوسط پایین‌تر نمی‌آیند. امریکایی‌ها از فصل اول تا پایان فصل چهارم بهتر و بهتر می‌شوند. در فصل پنجم کمی آفت می‌کند ولی در فصل ششم و پایانی قسمت به قسمت عالی‌تر می‌شود تا به قسمت آخرش می‌رسد که شاید یکی

از بهترین پایان‌بندی‌هایی سریال‌های تلویزیونی در چند سال اخیر است. اگر چه در طول سریال فلیپ و الیزابت بارها تغییر قیافه می‌دهند اما تنوع پوشش، مدل‌های مختلف ریش و سبیل و کلاه کبس در مأموریت‌هایشان قابل توجه است. یکی از موارد الگوهای مربوط به آن در سریال‌هایی با رویکرد دفاع مقدس جزو آموزنده امریکایی‌ها برای ما ایرانی‌ها توجه به شخصیت‌پردازی و الگوهای مربوط به آن در سریال‌هایی با رویکرد دفاع مقدس است. برخلاف سریال‌های وطنی، افراد امنیتی دو سوی ماجرا جدا از خانه و خانواده به تصویر کشیده نمی‌شوند و به علایق و تفکرانشان بیرون از فضای کاریشان هم پرداخته می‌شود. خود وایزبرگ جای گفته که موضوع اصلی سرراش یک از دوایع است.

در طول سریال انتقاداتی نسبت به سیاست‌ها و ملت امریکا وجود دارد و به مردم عادی و حتی بعضی سیاست‌شن شوروی احترام گذاشته می‌شود (هرچند ظاهری) اما در نهایت یک سریال امریکایی داریم و قاعدتا طرف امریکایی‌ها را می‌گیرد. این شاید نگاه بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های یکنگه دنیا با لحن انتقادی نسبت به کشورشان باشد؛ البته که ما مشکلاتی داریم ولی کشورهای دیگر، به‌مراتب بدتر هستند!

در نشست شعر دفاع مقدس و مقاومت مطرح شد

ادبیات مقاومت نقطه مقابل ادبیات یأس آلود پیش از انقلاب است



اتو کشیده در جنگ شرکت کنند، به همین ترتیب در آغاز دفاع نباید انتظار شعر بخته داشته باشیم. اولین اتفاق در این زمان شکل‌گیری شعر است. شعار فشرده اندیشه‌است که به شکل آهنگین بیان می‌شود اما هنوز از چمندی شعار را درست تعریف نکرده‌ایم و به همین دلیل گاهی بعضی واژه‌ها بدنام تعبیر شده‌اند. شعار همیشه منفی تلقی شده در حالی که بخشی از هویت هر جریانی است. در کربلاهم نخستین حرف‌ها در شعر و بعد در رجزو شعرها دیده شد. سنگری از اشاره به فقدان ناامیدی در ادبیات دفاع مقدس گفت: در انبوه این همه رنج، ناامیدی دیده نمی‌شود. ادبیات ما، ادبیات امید است. آنها که ادبیات قابل بودند اما مجموعه آثاری که بعد از می‌دانند که در آن زمان، ادبیات یأس آلود بود. مرگ، رستمآن، بن‌بست و تاریکی واژه‌های قالب بودند اما مجموعه آثاری که بعد از انقلاب چاپ شدند حتی نام‌شان امیدبخش است، نام‌هایی مانند تنفس صحیح، در کوچه آفتاب و… این یعنی نسلی امیدوار به رغم مخاطراتی که پیش رویش است، به وجود آمده است.

به عقیده محمدرضا سنگری در ادبیات دفاع مقدس ناامیدی وجود ندارد. ادبیات ما، ادبیات امید است. آنها که ادبیات قیبل از انقلاب اسلامی را تجربه کردند، می‌دانند آن زمان، ادبیات یأس آلود بود.

نشست ادبی دفاع مقدس و مقاومت، بررسی تاثیر گذاری شعر دفاع مقدس بر شعر فلسطین، به مناسبت روز آزادسازی خرمشهر و تقارن آن با روز جهانی قدس و روز مقاومت دزفول، با شعر خوانی شاعران کشور و پارسی‌زبانان سایر کشورهای جهان توسط اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران با استفاده از ظرفیت فضای مجازی بر گزار شد. در این نشست شاعرانی چون مصطفی محمذی خراسانی و محمدرضا سنگری همراه پژوهشگران و نویسندگان دفاع مقدس و پایداری به بررسی روند شکل‌گیری این نوع از ادبیات پرداختند. کاظم رستمی، شاعر و پژوهشگر در اجرای این نشست، بر عهده داشت، در آغاز این نشست گفت: این اولین نشست از سلسله نشست‌های ادبی با محوریت شعر و ادبیات دفاع مقدس است که اداره

کل کتابخانه‌های عمومی استان تهران آن را بر نامه‌ریزی کرده است. وی با اشاره به همه‌ای که در دوران دفاع مقدس به هویت فرهنگی کشور شد، گفت: ملتی که مورد هجوم واقع شد، نوا میدار زنده نگه داشت. جلال آل‌احمد در صحبت‌هایش گفته‌است کارهایی که امروز در ادبیات انجام می‌دهیم، تاثیرش را اسال‌ها بعد در جامعه می‌بینیم. به نظر می‌رسد بر عکس این حرف هم اتفاق می‌افتد، یعنی اتفاقاتی در جامعه می‌افتد که بعدها در شعر و ادبیات تجلی پیدا می‌کند. در ادامه این نشست محمدرضا سنگری، گفت: به طور طبیعی وقتی جنگ اتفاق می‌افتد، نیاز اولیه این نیست که آدم‌ها به شکل